

تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد
صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان

Determining Relationships Between Early Maladaptive
Schemas and Marital Intimacy Among
Mobarakeh Steel Complex Personnel

M. Zolfaghari, M. A. ✉

M. Fatehi Zadeh, Ph.D.

M. R. Abedi, Ph.D.

مریم ذوالفقاری ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مریم فاتحی زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر محمدرضا عابدی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between Early Maladaptive Schema and Marital Intimacy among couples. In this study, Early Maladaptive Schema domains were predictive variables, and the dimensions of Marital Intimacy were criterion ones.

A sample of 35 married personnel from Mobarakeh Steel Complex and their spouses were selected via multiphase random sampling.

چکیده:

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت زناشویی در زوجین عادی است. در این پژوهش حوزه‌های طرحواره‌های اولیه متغیرهای پیش‌بین و ابعاد صمیمیت زناشویی متغیرهای ملاک بودند.

۷۰ نفر (۳۵ زوج) از بین کارکنان شرکت فولاد مبارکه اصفهان و همسرانشان به صورت نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نوع پژوهش توصیفی (همبستگی) است.

✉Corresponding author: Dept. of conseling,
Isfahan University, Isfahan, Iran.
Tel: +98311-3912994
Fax: +98311-6693107
Email: zolfaghari.ma@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - دانشگاه صنعتی - مدرسه راهنمایی
دخترانه دانشگاه
تلفن: ۰۳۱۱-۳۹۱۲۹۹۴ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷
email: zolfaghari.ma@gmail.com پست الکترونیکی:

The couples completed Young Schema Questionnaire (YSQ) and Marital Intimacy Questionnaire.

Correlation, enter and stepwise regression analyses have been used to analyzing data.

Results showed that there was a negative significant correlation between Early Maladaptive Schemas and dimensions of Marital Intimacy. It means that the more Maladaptive Schemas, the less Marital Intimacy. The multiple regression analyses showed that "Impaired Limits" was the best predictor of Marital Intimacy except the subscale of Sexual Intimacy. Also significant differences were not observed among Early Maladaptive Schema domains and dimensions of Marital Intimacy between men and women and only Physical Intimacy of the men was significantly higher than the women.

This study showed that the schema related to concern the Impaired Limits including Entitlement/Grandiosity and Insufficient Self-Control/Self-discipline play the most crucial role in the explanation of the lack of Marital Intimacy.

KeyWord: Early Maladaptive Schema, Marital intimacy, Couples

زوجین به‌طور جداگانه پرسشنامه صمیمیت زناشویی و پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ فرم بلند) را تکمیل کردند. در پژوهش حاضر روش آماری همبستگی، تحلیل رگرسیون با شیوه ورود و گام به گام و تحلیل واریانس چندمتغیره به‌کار برده شد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر می‌شوند صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. همچنین یافته‌های رگرسیون چندمتغیری بیانگر این نکته بوده‌اند که حوزه «محدودیت‌های مختل» مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی می‌باشد و به غیر از بعد «صمیمیت جنسی» برای سایر ابعاد صمیمیت زناشویی پیش‌بینی‌کننده معتبری است. از سوی دیگر قابل اشاره است که بین زنان و مردان از نظر طرحواره‌ها تفاوت معناداری وجود نداشته است و فقط در بعد صمیمیت بدنی نمرات مردان بیش از زنان بوده است. این بررسی نشان داد که طرحواره‌های مربوط به «محدودیت‌های مختل» که شامل استحقاق، بزرگ‌منشی و خویش‌داری ناکافی می‌باشد؛ بیشترین نقش را در عدم صمیمیت زناشویی ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، صمیمیت زناشویی، زوجین

مقدمه

بسیاری از انسان‌ها به خاطر مشکلات ارتباطی در جستجوی درمان هستند، هم‌چنین در بسیاری از اختلالات روانی شناخته شده مشکلات بین فردی دیده می‌شود. اغلب مشکلات بین فردی که افراد تجربه می‌کنند تحت تأثیر شیوه تصور آن‌ها در مورد خود و دیگران است. این شیوه تصور

طرحواره^۱ نامیده می‌شود (بک^۲، ۱۹۶۷). رشد طرحواره اغلب به دوران کودکی باز می‌گردد. مطابق نظر یانگ^۳ (۱۹۹۹) بعضی از افراد به خاطر تجارب کودکی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ای^۴ را ایجاد می‌کنند که بر شیوه تفکر، احساس و رفتار آن‌ها در روابط صمیمانه بعدی و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد. یانگ معتقد است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند که این نیازها عبارتند از: دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خود انگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌داری (یانگ و همکاران، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). طرحواره‌ها مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه بریدگی و طرد^۵، خودگردانی و عملکرد مختل^۶، محدودیت‌های مختل^۷، دیگر جهت‌مندی^۸، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^۹ تقسیم شده‌اند که هرکدام شامل چند طرحواره می‌شوند. حوزه بریدگی و طرد شامل طرحواره‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/شرم و انزوای اجتماعی/بیگانگی است. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرحواره‌های وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافته/گرفتار و شکست می‌باشد. حوزه محدودیت‌های مختل شامل استحقاق/بزرگ‌منشی، خویش‌داری و خودانضباطی ناکافی است. حوزه دیگر جهت‌مندی شامل طرحواره‌های اطاعت، ایثار و پذیرش جویی می‌باشد و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری شامل طرحواره‌های منفی‌گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی و تنبیه می‌باشد (یانگ، ترجمه صاحبی و حمیدپور، ۱۳۸۴).

در مورد رابطه طرحواره‌ها با اختلالات روانی و بالاخص اختلالات شخصیت تحقیقات متعددی صورت گرفته است. به عنوان مثال نتایج تحقیقی که تغییرات طرحواره‌ها را قبل و بعد از یک دوره گروه‌درمانی بر روی یک گروه از بیماران با اختلالات روان‌پزشکی بررسی می‌کرد، نشان داد که تغییرات معناداری نسبت به طرحواره‌های «آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری»، «بیگانگی اجتماعی» و «نقص و شرم» پس از دوره وجود دارد و در کل کاهش معناداری در سطح آشفتگی روان‌شناختی پس از درمان گروهی گزارش نمودند (ولبورن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۰).

بال و سسرو^{۱۱} (۲۰۰۱)، در تحقیقی رابطه بین اختلال شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مشکلات روان‌شناختی را بررسی نمودند. نمونه تحقیق، افرادی مبتلا به اختلال شخصیت وابسته، ضداجتماعی، مرزی یا افسرده‌خو بودند. نتایج نشان دادند که رابطه معناداری بین شدت اختلال شخصیت و طرحواره‌های ناسازگار وجود دارد.

مطابق پژوهش‌های انجام شده طرحواره‌ها در حیطه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارند و یکی از این حیطه‌ها روابط صمیمانه مخصوصاً در زندگی زناشویی است. براساس تعریف باگروزی^{۱۲} صمیمیت^{۱۳}، نزدیکی، تشابه و یک رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و

درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به‌عنوان منشأ تشابه و نزدیکی، به‌کار می‌رود (باگاروزی، ترجمه آتش‌پور و اعتمادی، ۱۳۸۵). با توجه به تعریف ذکر شده می‌توان مؤلفه‌های صمیمیت را به نه حیطة تقسیم کرد: صمیمیت هیجانی^{۱۴}، صمیمیت روان‌شناختی^{۱۵}، صمیمیت عقلانی^{۱۶}، صمیمیت جنسی^{۱۷}، صمیمیت بدنی^{۱۸}، صمیمیت زیباشناختی^{۱۹}، صمیمیت اجتماعی و تفریحی^{۲۰} و صمیمیت زمانی^{۲۱}.

یانگ و گلوسکی^{۲۲} (۱۹۹۷)، چنین فرض کردند که رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که هم نیازهای رشدی به‌طور مقتضی برآورده شده باشند و هم نیازهای بزرگسالی ارضا شوند؛ چون هر یک از زوجین علاوه بر طرحواره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند در ارتباط فعلی خود نیز طرحواره‌هایی به‌وجود می‌آورند که خاص این رابطه هستند (داتیلیو^{۲۳} و بیرشک، ۱۳۸۵). زمانی که نیازها ارضا نشوند ممکن است طرحواره‌های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که بر روابط صمیمانه اثر می‌گذارند.

یافته‌هایی وجود دارند که حاکی از وجود رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار و روابط والدینی است و یافته‌هایی نیز پیوند بین روابط خانواده و صمیمیت را تأیید می‌کنند. بنابراین امکان دارد طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت در روابط زناشویی ارتباط داشته باشند. در این زمینه به نتایج چند پژوهش اشاره می‌شود: یافته‌هایی نشان داده‌اند که ایجاد روابط صمیمانه در نوجوانی و بزرگسالی می‌تواند به‌واسطه رابطه فرد با خانواده اصلی‌اش ارتقا پیدا کرده و یا محدود شود (باربر^{۲۴}، ۱۹۹۲). رابینسون^{۲۵} (۲۰۰۰)، دریافت که رابطه مادر - فرزندی مثبت و انطباق‌پذیری خانواده با روابط صمیمانه در دوران بزرگسالی مرتبط است.

در تحقیقی که توسط کلیفتون^{۲۶} (۱۹۹۵)، برای بررسی رابطه صداقت، نزدیکی، استحکام رابطه و سازگاری با طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی دانشجویانی که درگیر روابط عاشقانه بودند، صورت گرفت نتایج نشان داد که طرحواره ناسازگار «شکست» ارتباط منفی با احساس اعتماد و قابل پیش‌بینی بودن شریک داشت و «بدرفتاری و بی‌اعتمادی» به‌طور مستقیم با قابلیت اطمینان شریک رابطه داشت. افرادی که دارای طرحواره‌های ناسازگار «محرومیت هیجانی» یا «نقص» بودند کمتر به شریک خود ایمان داشتند و طرحواره ناسازگار «نقص» به‌طور مستقیم و منفی بر نزدیکی، رضایت، محبت و به‌طور کلی سازگاری رابطه اثر داشت.

پژوهشی نیز توسط استیلز^{۲۷} (۲۰۰۴)، با عنوان «طرحواره‌های ناسازگار اولیه و صمیمیت در روابط عاشقانه بزرگسالی» در این زمینه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد طرحواره ناسازگار «محرومیت هیجانی» پیش‌بینی‌کننده صمیمیت می‌باشد. طرحواره «نقص و شرم» پیش‌بینی‌کننده صمیمیت

کمتر در مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر^{۲۸} بود و «معیارهای سرسختانه» به‌طور غیرقابل انتظار پیش‌بینی‌کننده نمرات صمیمیت بالاتر در مقیاس نزدیکی فیشر^{۲۹} بود.

اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴) نیز در تحقیقی بدین نتیجه دست یافتند که هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر باشند رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و گزارش نمودند که سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های ناسازگار ارتباط معناداری دارد.

در مورد شیوه‌های متفاوت ابراز صمیمیت در زنان و مردان هاک^{۳۰} و همکاران (۲۰۰۳)، طی تحقیقی چنین اظهار داشتند که زنان صمیمیت را به‌صورت عشق، عاطفه و ابراز احساسات گرم نشان می‌دهند در حالی که مردان صمیمیت را بیشتر مشارکت در فعالیت‌ها، نزدیکی بدنی، صمیمیت در گذراندن وقت و رفتارهای جنسی می‌دانند.

با توجه به تحقیقات مذکور چنین انتظار می‌رود که ناسازگاری بیشتر یک طرحواره باعث تجربه صمیمیت کمتر در روابط بعدی می‌شود. پژوهش حاضر در صدد است که اولاً روابط ساده پنج حوزه طرحواره و ابعاد نه‌گانه صمیمیت را بررسی کند و ثانیاً مشخص نماید که هر کدام از طرحواره‌ها تا چه میزان پیش‌بینی‌کننده صمیمیت در روابط زناشویی خواهند بود.

روش

طرح این تحقیق، توصیفی (همبستگی از نوع پیش‌بینی) است. با استفاده از همبستگی ساده و تحلیل رگرسیون سعی در یافتن مناسب‌ترین متغیرها و بررسی رابطه مستقل و متقابل آن‌ها با متغیرهای ملاک شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل کلیه کارکنان متأهل شرکت فولاد مبارکه اصفهان و همسرانشان می‌باشد. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای اجرا شده است. بدین صورت که ابتدا از بین پنج واحد بزرگ مجتمع، واحد خدمات فنی و پشتیبانی به‌صورت تصادفی انتخاب شد، سپس از بین پرسنل این بخش، کارکنانی که واجد ملاک‌های ورود این پژوهش بودند، جدا شده و ۳۵ نفر از آن‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل: ساکن اصفهان بودن، تحصیلات دیپلم به بالا و قرار گرفتن در مرحله شش از چرخه زندگی خانواده (خانواده با فرزندان مدرسه‌رو) بود. کل نمونه شامل ۷۰ نفر می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه طرحواره یانگ^{۳۱} (YSQ): این پرسشنامه توسط یانگ (۱۹۹۹) بر مبنای مشاهدات بالینی برای شناسایی شانزده طرحواره ناسازگار اولیه تهیه شد. نسخه اولیه پرسشنامه توسط صاحبی

و حمیدپور (۱۳۸۴) به فارسی برگردانده شده است. پرسشنامه دارای ۲۰۵ سؤال است که هر سؤال در طیف لیکرت به صورت شش گزینه‌ای از کاملاً غلط (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۶) پاسخ داده می‌شود. این ابزار ۱۶ طرحواره ناسازگار اولیه را در ۵ حوزه «طرد و بریدگی»، «خودگردانی و عملکرد مختل»، «محدودیت‌های مختل»، «دیگر جهت‌مندی» و «گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری» شناسایی می‌کند. اولین پژوهش جامع راجع به ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه توسط اسمیت^{۳۳}، جوینر^{۳۳}، یانگ و تلچ^{۳۴} (۱۹۹۵)؛ به‌نقل از یانگ و همکاران) انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که برای هر طرحواره ناسازگار اولیه، ضریب آلفایی از ۰/۸۳ (برای طرحواره خود تحول نیافته/گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای طرحواره نقص/شرم) بدست آمد و ضریب آزمون - بازآزمون در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. هم‌چنین این پرسشنامه با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی، احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری شناختی نسبت به افسردگی و نشانه‌شناسی اختلالات شخصیت، روایی همگرا و افتراقی خوبی نشان داده است. با توجه به این‌که این پرسشنامه در شهر اصفهان برای اولین بار اجرا می‌شود، لذا پژوهشگر اقدام به هنجاریابی مقدماتی ابزار نمود: روایی محتوایی پرسشنامه به تأیید صاحب‌نظران گروه مشاوره دانشگاه اصفهان رسید و ویرایش مختصری بر گویه‌های پرسشنامه صورت گرفت. روایی هم‌زمان آزمون از طریق محاسبه ضریب همبستگی آن با آزمون تعارض زناشویی (براتی و ثنایی، ۱۳۷۹) بدست آمد، که این ضریب ($r=0/51$) در سطح $p < 0/01$ معنادار بود. در نهایت ضریب همسانی درونی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ، برای کل پرسشنامه برابر ۰/۹۴ و برای پنج حوزه آن به این شرح بدست آمد: طرد و بریدگی ۰/۹۱، خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل ۰/۷۳، دیگر جهت‌مندی ۰/۶۷ و گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۸. در این پرسشنامه نمره بالاتر نشان‌دهنده ناسازگارتر بودن طرحواره‌ها و نمرات پایین‌تر به معنی سالم‌تر بودن طرحواره‌هاست.

پرسشنامه صمیمیت: برای سنجش میزان صمیمیت زوجین از پرسشنامه صمیمیت زوجین (اولیاء، ۱۳۸۵) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۸۷ سؤال و دارای ۹ خرده‌مقیاس است که عبارتند از صمیمیت عاطفی، صمیمیت عقلانی، صمیمیت بدنی، صمیمیت اجتماعی - تفریحی، صمیمیت ارتباطی، صمیمیت مذهبی، صمیمیت روان‌شناختی، صمیمیت جنسی و صمیمیت کلی. هر سؤال در طیف لیکرت به صورت چهارگزینه‌ای از همیشه (نمره ۴) تا اصلاً (نمره ۱) پاسخ داده می‌شود. حداکثر نمره در این پرسشنامه ۳۴۸ و حداقل نمره ۸۷ می‌باشد. نمره بیشتر نشانگر صمیمیت بالاتر و نمره کمتر به معنی صمیمیت کمتر است. ضریب آلفای این آزمون برای کل پرسشنامه توسط سازنده آن اولیاء (۱۳۸۵)، ۰/۹۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کل ۰/۹۱ بدست آمد.

تحلیل آماری داده‌ها

داده‌های بدست آمده از آزمودنی‌ها پس از اجرا، نمره‌گذاری شده و در تحلیل آن از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس) استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه (متغیرهای پیش‌بین) و ابعاد نه‌گانه صمیمیت زناشویی (متغیرهای ملاک) ارائه شده است.

جدول ۱: داده‌های توصیفی ابعاد صمیمیت و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه

انحراف معیار	میانگین	حوزه‌های طرحواره	انحراف معیار	میانگین	ابعاد صمیمیت
۴۸/۴۵	۸۶/۸	طرد و بریدگی	۴/۳۹	۲۶/۹	صمیمیت عاطفی
۲۹/۵۶	۴۵	عملکرد مختل	۳/۹۸	۲۰/۲۵	صمیمیت عقلانی
۱۹/۲۵	۳۸/۲۵	محدودیت‌های مختل	۲/۵۴	۱۵/۲	صمیمیت بدنی
۱۹/۵۱	۵۳/۵۸	دیگر جهت‌مندی	۳/۹۸	۱۹/۳۷	صمیمیت اجتماعی
۱۸/۶۸	۴۷/۸۳	گوش به زنگی و بازداری	۵/۹۵	۲۴/۹۳	صمیمیت ارتباطی
			۴/۰۵	۲۱/۸	صمیمیت مذهبی
			۶/۵	۲۵/۱۳	صمیمیت روان‌شناختی
			۴/۲۵	۲۰/۱۷	صمیمیت جنسی
			۶/۸۲	۳۹/۵۷	صمیمیت کلی

در جدول شماره ۲ ضرایب همبستگی بین طرحواره‌ها و ابعاد نه‌گانه صمیمیت نشان داده شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود حوزه «خودگردانی و عملکرد مختل» با تمام ابعاد صمیمیت به غیر از بعد صمیمیت اجتماعی - تفریحی همبستگی منفی معنادار داشته است. یعنی هرچه این طرحواره ناسازگارتر می‌شود، میزان صمیمیت کاهش می‌یابد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین ابعاد صمیمیت و حوزه‌های

طرحواره‌های ناسازگار اولیه

نام متغیرها	طرد و بریدگی	عملکرد مختل	محدودیت مختل	دیگر جهت-مندی	گوش به زنگی و بازداری
صمیمیت عاطفی	-.۳۱* p=۰/۰۱۵	-.۳۸** p=۰/۰۰۲	-.۴۵** p=۰/۰۰۰	-.۰۷ p=۰/۰۶۱۷	-.۱۸ p=۰/۰۱۷
صمیمیت عقلانی	-.۲۳ p=۰/۰۸۲	-.۲۹* p=۰/۰۲۶	-.۰۵** p=۰/۰۰۰	-.۲۵ p=۰/۰۵۴	-.۱۱ p=۰/۰۴۲۱
صمیمیت بدنی	-.۲۵ p=۰/۰۵۱	-.۴۴** p=۰/۰۰۰	-.۳۱* p=۰/۰۱۷	-.۲۴ p=۰/۰۶۲	-.۲۱ p=۰/۰۱۰۷
صمیمیت اجتماعی	-.۱۹ p=۰/۰۱۴	-.۲۴ p=۰/۰۶۲	-.۳۳** p=۰/۰۰۱	-.۱۳ p=۰/۰۳۲۵	-.۰۷ p=۰/۰۵۹
صمیمیت ارتباطی	-.۲۵ p=۰/۰۵۲	-.۳۱* p=۰/۰۱۶	-.۴۶** p=۰/۰۰۰	-.۰۶ p=۰/۰۶۷۴	-.۰۱ p=۰/۰۹۳۶
صمیمیت مذهبی	-.۲۲ p=۰/۰۹۴	-.۲۶* p=۰/۰۴۸	-.۰۴** p=۰/۰۰۲	۰/۰۳ p=۰/۰۸۴۵	۰/۱۱ p=۰/۰۴۰۸
صمیمیت روان‌شناختی	-.۳۶** p=۰/۰۰۵	-.۰۴** p=۰/۰۰۱	-.۰۵** p=۰/۰۰۰	-.۱۸ p=۰/۰۱۵۸	-.۱۷ p=۰/۰۲۰۱
صمیمیت جنسی	-.۲۵ p=۰/۰۵۷	-.۳۳* p=۰/۰۱۳	-.۲۴ p=۰/۰۵۹	-.۰۱ p=۰/۰۴۵۸	-.۰۹ p=۰/۰۴۸۷
صمیمیت کلی	-.۳* p=۰/۰۲۱	-.۳۴** p=۰/۰۰۸	-.۰۴** p=۰/۰۰۰	-.۰۱ p=۰/۰۴۲	-.۰۸ p=۰/۰۵۶۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

هم‌چنین حوزه «محدودیت‌های مختل» با تمام ابعاد صمیمیت به استثنای صمیمیت جنسی همبستگی منفی معنادار داشته است. حوزه «دیگر جهت‌مندی» و «گوش به زنگی بیش از حد و بازداری» با هیچ یک از ابعاد صمیمیت همبستگی معنادار نداشته و هر دو با صمیمیت مذهبی همبستگی مثبت نشان می‌دهند که البته معنادار نیست. حوزه «طرد و بریدگی» نیز با سه بعد از صمیمیت (صمیمیت عاطفی، صمیمیت روان‌شناختی و صمیمیت کلی) همبستگی منفی و معنادار دارد.

جدول شماره ۳ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد که ابتدا به شیوه ورود و سپس به شیوه گام به گام به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین (طرحواره‌ها) در تبیین متغیرهای ملاک (صمیمیت زناشویی) انجام گرفته است. یافته‌های مندرج در این جدول در مورد بعد صمیمیت عاطفی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی طرحواره‌ها با این متغیر $T=۰/۵۸$

است و تنها رابطه «محدودیت‌های مختل» با صمیمیت عاطفی معنادار می‌باشد. در روش مرحله‌ای، نتایج نشان می‌دهند که «محدودیت‌های مختل» دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی می‌باشند ($r^2 = 0/204$).

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی با استفاده از روش ورود و گام به گام

روش گام به گام					روش ورود					متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بین
P	T	Beta	r ²	r	SE	P	F	r ²	r		
0/000	-3/85	-0/45	0/204	0/45	3/95	0/005	3/75	0/258	0/508	محدودیت‌های مختل	صمیمیت عاطفی
0/000	-4/35	-0/496	0/246	0/496	3/5	0/02	4/43	0/291	0/539	محدودیت‌های مختل	صمیمیت عقلانی
0/000	-3/73	-0/04	0/193	0/429	2/36	0/025	2/82	0/207	0/455	عملکرد مختل	صمیمیت بدنی
0/01	-2/67	-0/331	0/109	0/331	3/87	0/046	1/64	0/122	0/363	محدودیت‌های مختل	صمیمیت اجتماعی-تفریحی
0/000	-3/98	-0/463	0/214	0/463	5/16	0/001	4/88	0/311	0/558	محدودیت‌های مختل	صمیمیت ارتباطی
0/016	2/48	0/327	0/005	0/076						گوش به زنگی و بازداری	
0/002	-3/31	-0/399	0/159	0/399	3/46	0/000	5/35	0/331	0/576	محدودیت‌های مختل	صمیمیت مذهبی
0/001	3/41	0/44	0/022	0/15						گوش به زنگی و بازداری	
0/000	-4/78	-0/53	0/283	0/53	5/59	0/001	5/14	0/323	0/568	محدودیت‌های مختل	صمیمیت روان‌شناختی
0/013	-2/57	-0/33	0/102	0/33	4/17	0/22	1/46	0/119	0/345	عملکرد مختل	صمیمیت جنسی
0/000	-3/92	-0/458	0/21	0/408	6/09	0/004	4/01	0/271	0/52	محدودیت‌های مختل	صمیمیت کلی

ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی حوزه‌های طرحواره با بعد صمیمیت عقلانی $r^2 = 0/539$ می‌باشد که تنها رابطه «محدودیت‌های مختل» معنادار است. در روش گام به گام نیز همین حوزه پیش‌بینی کننده معتبر برای صمیمیت عقلانی می‌باشد.

یافته‌های جدول در مورد ضریب همبستگی چندگانه بین حوزه‌های طرحواره و صمیمیت بدنی نشان می‌دهد که $r=0/455$ است و تنها حوزه «خودگردانی و عملکرد مختل» معنادار است. نتایج روش گام به گام بیانگر آن است که می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش خودگردانی و عملکرد مختل صمیمیت بدنی کاهش می‌یابد.

رگرسیون انجام شده برای ضریب همبستگی چندگانه بین حوزه‌های طرحواره با صمیمیت اجتماعی و تفریحی نشان می‌دهد که میزان رابطه $r=0/363$ است و در مرحله گام به گام حوزه «محدودیت‌های مختل» دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی است ($r^2=109$)، یعنی حدود ۱۱ درصد از واریانس نمرات صمیمیت اجتماعی - تفریحی ناشی از واریانس نمرات این حوزه از طرحواره‌هاست. در مورد بعد صمیمیت ارتباطی یافته‌های شیوه مرحله‌ای نشان می‌دهند که ۲۱٪ واریانس نمره این بعد از صمیمیت ناشی از واریانس نمره «محدودیت‌های مختل» است و با احتساب حوزه «گوش به زنگی بیش از حد و بازداری» مقدار آن به ۲۹٪ افزایش پیدا نموده است. به عبارت دیگر اضافه کردن حوزه «گوش به زنگی و بازداری» به معادله پیش‌بینی، قدرت پیش‌بینی را به میزان ناچیز ۰/۰۰۵ افزایش می‌دهد که معنادار است. همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد حوزه «گوش به زنگی و بازداری» با صمیمیت ارتباطی رابطه ساده معناداری نداشته است در حالی که در رابطه چندگانه سهم بسیار ناچیزی را در پیش‌بینی به خود اختصاص می‌دهد.

در مورد صمیمیت مذهبی نیز حوزه «محدودیت‌های مختل» ($r^2=0/399$) و حوزه گوش به زنگی ($r^2=0/143$) تأثیر خالص) به ترتیب دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی در معادله می‌باشند. حوزه «محدودیت‌های مختل» معتبرترین پیش‌بینی کننده برای صمیمیت روان‌شناختی ($r^2=0/283$) و صمیمیت کلی ($r^2=0/21$) می‌باشد.

در مورد صمیمیت جنسی حوزه «خودگردانی و عملکرد مختل» دارای بیشترین قدرت پیش‌بینی است. ($r^2=0/102$)

به منظور تعیین تأثیر جنسیت بر حوزه‌های طرحواره و هم‌چنین تأثیر جنسیت بر ابعاد صمیمیت زناشویی از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد که به دلیل زیاد بودن جداول از درج آن‌ها خودداری گردید. نتایج نشان داد که زنان و مردان از نظر طرحواره‌ها با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند و در مقایسه ابعاد صمیمیت نیز فقط نمره مردان در بعد صمیمیت بدنی به‌طور معناداری بیشتر از زنان بود ($F=4/39$ و $P=0/04$).

بحث

یافته‌های بدست آمده از تحقیق حاضر در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که حوزه‌های «خودگردانی و عملکرد مختل» به غیر از صمیمیت اجتماعی - تفریحی و «محدودیت‌های مختل» به غیر از صمیمیت جنسی با تمام ابعاد صمیمیت و حوزه «طرد» با سه مورد از ابعاد صمیمیت رابطه منفی معنادار دارند. بدین معنا که هرچه طرحواره‌های این سه حوزه ناسازگارتر شوند صمیمیت کاهش می‌یابد. نتایج بدست آمده به‌طور کلی با پژوهش‌های کلیفتون (۱۹۹۵)، استیلز (۲۰۰۴)، اندوز و حمیدپور (۱۳۸۵) همسو است. البته در پژوهش کلیفتون متغیرهای مورد بررسی مشابه صمیمیت بودند و در پژوهش اندوز و حمیدپور طرحواره‌ها به‌طور کلی مورد بررسی قرار گرفته بودند. در پژوهش استیلز که روی دانشجویان انجام گرفته بود طرحواره «محرومیت هیجانی» که در حوزه طرد قرار می‌گیرد بیشترین ارتباط را با صمیمیت داشته است. ممکن است این مسئله مربوط به تفاوت سنی دو گروه، قرار داشتن دو گروه در مراحل مختلف چرخه زندگی و تعریف متفاوت دو فرهنگ از صمیمیت باشد. هم‌چنین در این دو پژوهش از ابزارهای متفاوتی جهت سنجش میزان صمیمیت استفاده شد و مقیاس‌های متفاوت، جنبه‌های خاصی از صمیمیت را اندازه می‌گیرند.

یافته‌های تحلیل رگرسیون (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که حوزه «محدودیت‌های مختل» مهمترین پیش‌بینی‌کننده صمیمیت زناشویی می‌باشد و به غیر از بعد صمیمیت جنسی در سایر ابعاد صمیمیت دیده می‌شود. مطابق نظر یانگ (۱۹۹۹)، محدودیت‌های مختل به معنای نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در قبال دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی می‌باشد که یکی از آن‌ها استحقاق و بزرگ‌منشی است؛ فردی که این طرحواره را دارد معتقد است نسبت به دیگران بالاتر است و حقوق ویژه‌ای برای خود قائل است. یانگ و گلوسکی (۱۹۹۷)، چنین نتیجه‌گیری کردند که این افراد درک نمی‌کنند که چرا دیگران (از جمله همسر) از دست آن‌ها ناراحتند و مسئولیتی در قبال این مسئله قبول نمی‌کنند. علاوه بر این آن‌ها نسبت به احساسات شریک‌شان کمتر نگران می‌شوند. این احتمال وجود دارد که نمره بالاتر در مقیاس استحقاق پیش‌بینی‌کننده فاصله گرفتن بیشتر باشد زیرا فردی که مجذوب خویشتن است فقط به خود توجه دارد و به اصل احترام متقابل که زیربنای روابط سالم انسانی است پایبند نمی‌باشد، این یافته با جنبه‌ای از پژوهش استیلز (۲۰۰۴)، نیز همسو است.

یکی دیگر از ابعاد «محدودیت‌های مختل» خویشتن‌داری و خود انضباطی ناکافی است. به اعتقاد یانگ و همکاران افراد دارای این طرحواره نمی‌توانند هیجان‌ها و تکانه‌های خود را به شیوه‌ای مناسب تحمل کنند که هم در زندگی و هم در به تأخیر انداختن رضایت آنی برای دستیابی به اهداف

بلندمدت آتی دچار مشکلاتی می‌شوند و چه بسا به خاطر این مسائل توانایی تجربه صمیمیت را از دست می‌دهند.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که پس از «محدودیت‌های مختل» حوزه «خودگردانی و عملکرد مختل» بیشترین سهم را در مدل دارا می‌باشد. این حوزه شامل چهار طرحواره ناسازگار «وابستگی و بی‌کفایتی»، «آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری»، «خود تحول نیافته، گرفتار» و «شکست» می‌باشد. طبق نظر یانگ (۱۳۸۶)، افرادی که در این طرحواره‌ها مشکل دارند انتظاراتی که از محیط دارند با توانایی آن‌ها برای جدایی، بقا و عملکرد مستقل یا انجام موفقیت‌آمیز کارها تداخل می‌کند. این فرد به اعتقاد یانگ و گلوسکی (۱۹۹۷)، در روابط عاشقانه، در حفظ هویت شخصی خود و شریکش طرحواره وابستگی دارد و ممکن است شریکی را انتخاب کند که بیش از حد حامی وی بوده و مانند یک بچه از او مراقبت نماید و بدین طریق دیدگاه او در مورد خودش یعنی وابستگی تقویت می‌شود. عده‌ای از این افراد با مستقل نمایی سعی در جبران افراطی طرحواره‌شان دارند که چه بسا دوری آن‌ها از صمیمیت نیز در راستای این مکانیسم باشد.

آخرین حوزه‌ای که دارای قدرت پیش‌بینی برای صمیمیت می‌باشد، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری است یعنی تأکید افراطی بر واپس‌زنی احساسات و تکانه‌های خودانگیخته، برآورده ساختن قواعد و انتظارات انعطاف‌ناپذیر و درونی که منجر به از بین رفتن خوشحالی، آرامش، روابط نزدیک و سلامتی می‌شود. این حوزه شامل طرحواره‌های «منفی‌گرایی، بدبینی»، «بازداری هیجانی»، «معیارهای سرسختانه، عیب‌جویی افراطی» و «تنبیه» می‌باشد. این قسمت از نتایج با یافته استیلز (۲۰۰۴) نیز همسوست. در پژوهش وی «معیارهای سرسختانه» پیش‌بینی‌کننده نمرات نزدیکی در مقیاس فیشر می‌باشد.

طبق اعتقاد یانگ و گلوسکی افرادی که این طرحواره را دارند در بزرگسالی از شریکشان به‌طور غیرواقع‌گرایانه توقعات بالا دارند. زمانی که این معیارها برآورده نشود، سرد و خشمگین می‌شوند و رابطه، سطحی و غیرصمیمی می‌شود. هم‌چنین منفی‌گرایی، نادیده گرفتن جنبه‌های مثبت زندگی، عدم ابراز هیجان‌ها، محبت و عشق که از ویژگی‌های منفی‌گرایی است می‌تواند منجر به مشکلاتی در زمینه صمیمیت شود. یانگ و همکاران (۱۳۸۶) اظهار نمودند که این عده در روابط بین فردی، برای خویشتن‌داری بیش از صمیمیت ارزش قائل می‌شوند و می‌ترسند اگر به هیجان‌های‌شان اجازه بروز بدهند ممکن است کنترل‌شان را به‌طور کامل از دست بدهند.

تحلیل واریانس چندمتغیره به منظور تعیین نقش جنسیت بر ابعاد طرحواره و صمیمیت نشان داد که زنان و مردان در طرحواره‌های ناسازگار تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. این یافته با نتایج پژوهش کلیفتون (۱۹۹۵) همسوست ولی با نتایج بندو^{۳۵} (۲۰۰۱) همسو نیست. وی دریافت که زنان

در طرحواره ناسازگار «گرفتار» نمرات بالاتری بدست آورده‌اند و در پژوهش استیلز (۲۰۰۴) نیز مردان در طرحواره ناسازگار استحقاق نسبت به زنان نمرات بالاتری بدست آورده‌اند. در ایران تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته و به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که موجب عدم تفاوت بین طرحواره‌های زنان و مردان شده است، حجم نمونه باشد و انتظار می‌رود که با بالاتر رفتن حجم نمونه تفاوت‌هایی در این زمینه دیده شود. جوان بودن نمونه (میانگین سنی مردان = ۳۳ و میانگین سنی زنان = ۳۰) و تحصیلات آن‌ها (دیپلم و بالاتر) نیز می‌تواند مؤید این مسئله باشد، شاید اگر تحقیق روی نمونه‌ای با سن بالاتر و تحصیلات کمتر صورت می‌گرفت، نتایج متفاوتی بدست می‌آمد؛ چراکه تحصیلات بالاتر و حضور در اجتماع می‌تواند باعث اصلاح طرحواره‌ها شود. با توجه به این که در تحقیقات مشابه که خارج از کشور صورت گرفته نیز تفاوت بین زنان و مردان در یکی، دو مورد از طرحواره‌ها دیده می‌شود و یا اصلاً تفاوت وجود ندارد، در پژوهش حاضر نیز تفاوتی یافت نشد. می‌توان گفت تغییر در روند اجتماعی شدن دختران و پسران در جوامع فعلی نسبت به گذشته، فرصت‌های شغلی و اجتماعی برابر برای زنان و مردان چه در کشور ما و چه در سایر کشورها می‌تواند منشأ این قضیه باشد.

در مورد ابعاد صمیمیت نیز فقط در بعد صمیمیت بدنی بین زنان و مردان تفاوت معنادار مشاهده می‌شود که مردان نمرات بالاتری بدست آورده‌اند. این یافته با نتایج استیلز (۲۰۰۴)، ناهمخوان است، چرا که در پژوهش او زنان نمرات بالاتری را در مقیاس صمیمیت میلر بدست آورده‌اند در حالی که در مقیاس فاصله فیشر بین زنان و مردان تفاوت معنادار وجود نداشته است، این مسئله نقش ابزارهای متفاوت و تأثیر آن را در نتایج آشکار می‌سازد. یافته فعلی با تحقیق هاگ و همکاران (۲۰۰۳) همسوست، در پژوهش آن‌ها نیز مردان در صمیمیت بدنی، صمیمیت جنسی، مشارکت در فعالیت‌ها و گذران وقت نمرات بالاتری بدست آورده‌اند. می‌توان چنین تبیین کرد که مردان و زنان هر دو تمایل به ایجاد روابط صمیمانه داشته و تنها تفاوت آن‌ها در شیوه بروز صمیمیت می‌باشد. شاید در اینجا نیز افزودن حجم نمونه تفاوت‌های بیشتری را آشکار سازد.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند اطلاعات مناسبی را به طرحواره درمانگران و مشاورانی که مراجعانی با مشکلات مربوط به صمیمیت دارند ارائه دهد. هم‌چنین به کسانی که مشاوره قبل از ازدواج انجام می‌دهند در جهت پیش‌بینی مؤلفه‌های خاص صمیمیت در زندگی آتی کمک می‌نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با شناسایی و چالش با طرحواره‌های ناسازگار اولیه میزان صمیمیت که مؤلفه مهمی در احساس رضایت از زندگی زناشویی است را ارتقاء دهند.

یادداشت‌ها

1. Schema
2. Beck

21. Temporal
22. Gluhoski

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------|
| 3. Young | 23. Dattilio |
| 4. Early Maladaptive Schemas | 24. Barber |
| 5. Disconnection and Rejection | 25. Robinson |
| 6. Impaired Autonomy and Performance | 26. Clifton |
| 7. Impaired Limits | 27. Stiles |
| 8. Other – Directedness | 28. Miller |
| 9. Overvigilance/Inhibition | 29. Fischer |
| 10. Wellburn | 30. Hook |
| 11. Ball ,S & Cecero ,J | 31. Young Schema Questionnaire |
| 12. Bagarozzi | 32. Schmidt |
| 13. Intimacy | 33. Joiner |
| 14. Emotional | 34. Telch |
| 15. Psychological | 35. Bendo |
| 16. Intellectual | |
| 17. Sexual | |
| 18. Physical | |
| 19. Aesthetic | |
| 20. Social and Recreational | |

منابع

- اندوز، ز. و حمیدپور، ح. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت از زندگی زناشویی در زوجین. خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران (ص ۱۶۵). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اولیا، ن. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- باگاروزی، د. (۱۳۸۵). افزایش صمیمیت در ازدواج (ترجمه ح. آتش‌پور و ع. اعتمادی). اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان. (انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۲).
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- داتیلیو، ف. م. و بیرشک، ب. (۱۳۸۵). رفتار درمانی شناختی زوج‌ها- بخش اول. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۲۸(۲)، ۷۲-۸۱.
- یانگ، ج. (۱۳۸۴). شناخت درمانی اختلالات شخصیت (ترجمه ع. صاحبی و ح. حمیدپور). تهران: انتشارات ارجمند. (انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۹).
- یانگ، ج.، کلوکسو، ژ.، و ویشار، م. (۱۳۸۶). طرحواره درمانی (ترجمه ح. حمیدپور و ز. اندوز). تهران: انتشارات ارجمند. (انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۳).
- Ball, S., & Cecero, J. (2001). Addicted patients with personality disorders: Traits, schemas, and presenting problems. *Journal of Personality Disorders, 15*, 72-83.
- Barber, B. K. (1992). Family, personality, and adolescent problem behaviors. *Journal of Marriage and the Family, 54*, 69-79.

- Beck, A. T. (1967). *Depression: Causes and treatment*. Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Bendo, M. E. (2001). Maladaptive cognitive schemas associated with perceptions of family functioning (Doctoral dissertation, Texas University). *Dissertation Abstracts International*, 61(9-B), 5014.
- Clifton, J. A. (1995). The effects of parenting style, attachment, and early maladaptive schema on adult romantic relationships (Doctoral dissertation, University of Georgia). *Dissertation Abstracts International*, 56(10-B), 57-91.
- Hook, M. K., Gerstein, L. H., Detterich, L., & Gridley, B. (2003). How close are we? Measuring intimacy and examining gender differences. *Journal of Counseling & Development*, 81, 462-473.
- Robinson, L. C. (2000). Interpersonal relationship quality in young adulthood: A gender analysis. *Adolescence*, 35, 775-784.
- Stiles, O. E. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships*. Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco [On-Line]. Available: www.Proquest.com.
- Wellburn, K., Dagg, P., Coristine, M., & Pontrefact, A. (2000). Schematic change as a result of an intensive group-therapy day-treatment program. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 37, 189-195.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Florida: Professional Resources Press.
- Young, J. E. & Gluhoski, V. (1997). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In R. J. Sternberg & M. Hojjat (Eds.), *Satisfaction in close relationships* (pp.356-381). New York: The Guilford Press.

Archive of SID